



## Cognitive Factors Affecting Serial Entrepreneurs Learning from Failure

**Behzad Mohammadian\*** 

Department of Management, College of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

[B.Mohammadian@ut.ac.ir](mailto:B.Mohammadian@ut.ac.ir)

**Mohammad Reza Jalilvand** 

Department of Business, College of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran. [rezajalilvand@ut.ac.ir](mailto:rezajalilvand@ut.ac.ir)

**Mohammad Amin Rahimi** 

Department of Business, College of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran. [rahimi.mohammada@ut.ac.ir](mailto:rahimi.mohammada@ut.ac.ir)

### ABSTRACT

**Objective:** Failure plays a crucial role in entrepreneurial learning and is a common issue among entrepreneurs. However, in ecosystems like Iran, insufficient attention has been given to this matter. Understanding the causes and mental underpinnings of failure, particularly among serial entrepreneurs, can guide the scientific and business communities towards solutions that facilitate the recovery of entrepreneurs' identity and emotion after failures. This lack of scientific and practical knowledge prompted this study to investigate the cognitive origins of learning from failure to gain a deeper understanding.

**Method:** In this study, we adopted an inductive-deductive approach and, specifically, employed a meta-synthesis of 40 articles to identify the cognitive factors that influence learning from failure. We then prioritized these factors through a survey of 10 serial entrepreneurs selected using a purposive sampling method. Expert survey data were used to analyze the quantitative data and comprehend the key factors affecting learning from failure among serial entrepreneurs, utilizing the best-worst method.

**Results:** The results, based on the theoretical foundation, reveal that learning from entrepreneurial failure is influenced by 24 distinct factors. After prioritizing these factors, "previous experience" emerged as the most significant (best) factor, while "opportunity temptation" was identified as the least important (worst) factor. According to the findings, failure can serve as a valuable capital for entrepreneurs, provided they confront their mistakes and learn from them. Factors like the fear of failure, entrepreneurial Alertness, and entrepreneurial humility also play essential role.

**Conclusion:** The results suggest that post-failure achievements are influenced by new experiences and information. Entrepreneurs' prior experiences and their fear of failure have a substantial impact on learning from failure. Prior experience and knowledge help entrepreneurs identify new opportunities realistically, reducing their fear of failure and leading to subsequent success. Additionally, entrepreneurs' learning is influenced by entrepreneurial humility. In general, individuals who are humbler are more willing to face failures realistically, accepting areas that need improvement and subsequently enhancing their chances of success in future endeavors.

This paper introduces a cognitive approach to understanding the process of learning from the failures of serial entrepreneurs. This fresh perspective highlights the significant role of prior experiences in shaping entrepreneurs' attitudes towards failure. Furthermore, comprehending the relationships between these factors

can greatly contribute to the success of entrepreneurs in re-entering the entrepreneurial arena after Failures, as well as aiding in their emotional and identity recovery.

**Keywords:** Entrepreneurial Failure, Learning from Failure, Cognitive Factors, Serial Entrepreneur, Re-entra belief system that's simultaneously introspective and adaptive to the entrepreneurial landscape.

---

**Cite this article:** : Mohammadian, B., Jalilvand, M. R., & Rahimi, M. A. (2024). Cognitive Factors Affecting Serial Entrepreneurs Learning from Failure. *Journal of Entrepreneurship Development*. 17(1), 120-142. <https://doi.org/10.22059/jed.2023.357201.654168> (in Persian)

**Received:** 2023-03-29;

**Revised:** 2023-08-02;

**Accepted:** 2023-11-28;

**Published online:** 2024-06-15

© The Author(s).

**Article type:** Research

**Publisher:** University of Tehran, Faculty of Entrepreneurship.



## عوامل شناختی اثرگذار بر یادگیری از شکست کارآفرینان سریالی

بهزاد محمدیان\*

نویسنده مسئول، گروه مدیریت، دانشکده گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [B.Mohammadian@ut.ac.ir](mailto:B.Mohammadian@ut.ac.ir)

محمدرضا جلیوند

گروه کسب و کار، دانشکده گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [rezajalilvand@ut.ac.ir](mailto:rezajalilvand@ut.ac.ir)

محمدامین رحیمی

گروه کسب و کار، دانشکده گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [rahimi.mohammada@ut.ac.ir](mailto:rahimi.mohammada@ut.ac.ir)

### چکیده

**هدف:** شکست نقش کلیدی در یادگیری کارآفرینانه دارد و مسئله‌ای رایج در بین کارآفرینان است. اگرچه یادگیری از شکست، موفقیت کارآفرینان را پس از شکست تضمین می‌کند، اما در برخی از زیست‌بوم‌ها مانند ایران، به این موضوع توجه چندانی نشده است. فهم علل و ریشه‌های ذهنی شکست، بویژه در بین کارآفرینان سریالی می‌تواند جامعه علمی و اجرایی را به سمت راهکارهایی ببرد تا بازیابی هویتی و شخصیتی کارآفرینان را پس از شکست، تسهیل نماید. این فقدان دانش علمی و اجرایی باعث شد که نوشتار حاضر به بررسی ریشه‌های شناختی یادگیری از شکست بپردازد، به این امید، که فهم بهتری در خصوص یادگیری از شکست حاصل شود.

**روش:** این مطالعه از منظر هدف کاربردی، از لحاظ اطلاعات گردآوری شده آمیخته و از زاویه دید ماهیت با رویکرد استقرایی-قیاسی و به طور خاص از طریق فراترکیب ۴۰ مقاله اقدام به شناسایی عوامل شناختی مؤثر در یادگیری از شکست کرده است. سپس این عوامل با نظرسنجی از ۱۰ کارآفرین سریالی که با رویکرد نمونه‌برداری هدفمند انتخاب شده بودند، اولویت‌بندی گردید. داده‌های نظرسنجی خبرگان برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و درک عوامل کلیدی مؤثر بر یادگیری از شکست در میان کارآفرینان سریالی، به روش بهترین-بدترین مورد استفاده قرار گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج بر اساس بررسی مبانی نظری این بینش را ارائه داد که یادگیری از شکست کارآفرینان تحت تأثیر ۲۴ عامل شناختی است. سپس با اولویت‌بندی عوامل مذکور، «تجربه قبلی» به عنوان مهم‌ترین (بهترین) عامل و «وسوسه فرصت» به عنوان کم‌اهمیت‌ترین (بدترین) عامل شناسایی شد. طبق یافته‌ها ممکن است شکست برای کارآفرینان، در نقش سرمایه ظاهر شود؛ اگر کارآفرینان با خطاهای خود کنارآمده و از اشتباهات درس بگیرند، به سوی موفقیت پیش خواهند رفت. در این راستا نقش عواملی همچون ترس از شکست، هوشیاری کارآفرینانه و تواضع کارآفرینانه نیز حائز اهمیت است.

**نتیجه:** نتایج حاکی از آن است که دستاوردهای پس از شکست، تحت تأثیر تجربیات جدید و اطلاعات جدید است. تجربه قبلی کارآفرینان و ترس از شکست تأثیر مهمی بر یادگیری از شکست دارد. از آنجا که تجربه و دانش پیشین به کارآفرینان کمک می‌کند تا در شناسایی فرصت‌های جدید واقع‌بین باشند، ترس آنها از شکست را کاهش می‌دهد و باعث موفقیت بعدی می‌شود. از سوی دیگر یادگیری کارآفرینان نیز تحت تأثیر تواضع کارآفرینانه می‌باشد. به طور کلی هر چه فرد متواضع‌تر باشد تمایل بیشتری به رفتار واقع‌بینانه با رویدادهایی مثل شکست خواهد داشت و با پذیرش موارد قابل بهبود، اقدام به رفع آنها خواهد کرد که این موضوع به نوبه خود

زمینه‌ساز موفقیت کارآفرین در ورودهای مجدد بعدی خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** شکست کارآفرینانه، یادگیری از شکست، شناخت کارآفرین، کارآفرین سریالی، ورود مجدد

**استناد به این مقاله:** محمدیان، بهزاد، جلیلود، محمدرضا، و رحیمی، محمدمین (۱۴۰۳). عوامل شناختی اثرگذار بر یادگیری از شکست کارآفرینان سریالی، توسعه کارآفرینی، ۱۷ (۱)، ۱۲۰-۱۴۴. <https://doi.org/10.22059/jed.2023.357201.654168>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶



ناشر: دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.

## مقدمه

کارآفرینی قلمرو مخاطره‌های هیجان‌انگیز مربوط به راه‌اندازی یک کسب و کار است، اما این دنیای جذاب همواره، سایه شکست را نیز دربر می‌گیرد. بسیاری از کارآفرینان مشتاق، با شکست یا دشواری‌هایی مواجه می‌شوند که اغلب منجر به ازدست‌دادن نابهنگام سرمایه‌شان می‌گردد؛ در واقع، شیوع شکست در چشم‌انداز کارآفرینی به خوبی مستند شده است (جنکینز،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴؛ لیو،<sup>۲</sup> ۲۰۱۹؛ فریدونی،<sup>۳</sup> ۲۰۲۰).

بر اساس گزارش وزارت کار ایالات متحده، ۴۰ درصد از استارت‌آپ‌های نوپا در چهار سال آغازین، از بین می‌روند. در ایران نیز به آمار قابل توجهی درخصوص ترس از شکست اشاره است (جم،<sup>۴</sup> ۲۰۱۹).

اگرچه پیامدهای شکست بسیار گسترده است و آسیب‌های روانی، اجتماعی و مالی را به کارآفرینان وارد می‌کند (اکباساران،<sup>۵</sup> ۲۰۱۳)، اما در کنار این پیامدهای ناخوشایند، فرصتی عمیق نیز، برای یادگیری، رشد و توسعه فردی وجود دارد. طبق مشاهدات پژوهش‌گران تجربه شکست، یادگیری معنادار و نیات کارآفرینی مجدد را در پی دارد (شپرد و کاردون،<sup>۶</sup> ۲۰۰۹؛ اکباساران، ۲۰۱۰) و با رشد بذرنعطاف‌پذیری، کارآفرینان با شور و اشتیاقی تازه به سمت ظهور مجدد در عرصه کسب‌وکار پیش می‌روند (شپرد، ۲۰۱۱).

با این حال، بین کسانی که از قدرت شکست استفاده و دیگران که از این فرصت چشم‌پوشی می‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد. بسیاری از کارآفرینان ظرفیت یادگیری از شکست را نادیده گرفته و سهم قابل توجهی از تجربیات و دانش ارزشمند خود را دست‌نخورده رها می‌کنند، این روند نگران‌کننده که بویژه بین کارآفرینان سریالی مشهودتر است، نباید نادیده گرفته شود (کریمی،<sup>۷</sup> ۲۰۲۱). هرچند که شکست و یادگیری به طور ذاتی با هم مرتبطند، اما توانایی استخراج معرفت از شکست و به‌کار بردن آن در تلاش‌های آینده، مهارتی است که به کاوش بیشتر نیاز دارد.

با وجود این شواهد برای ارزشمندی یادگیری از شکست، در میان مجموع گسترده‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته درباره شناخت کارآفرینانه و راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپای جدید (تانگ،<sup>۸</sup> ۲۰۱۲)، کماکان یک شکاف نظری مورد غفلت قرار گرفته است و آن، تأثیر عمیق فرایندهای شناختی ذهن کارآفرین از شکست و نقش آن در توان و تمایل به یادگیری از آن است. یکی از اهداف این پژوهش ایجاد بینشی در جامعه علمی برای پر کردن این خلأ است، که با آشکار ساختن تأثیر ظریف و متقابل بین عوامل شناختی و پیگیری فرصت‌های یادگیری ناشی از شکست، انجام می‌پذیرد. با بررسی دقیق جنبه‌های شناختی که یادگیری از شکست را ممکن ساخته یا مانع از آن می‌شوند، هدف ما ارائه دیدگاهی جدید، درخصوص تاب‌آوری کارآفرینانه است؛ دیدگاهی که یک گام فراتر از تشخیص و تصحیح خطا در حالت عادی است.

از سوی دیگر در قلمرو اقدام و عمل، این پژوهش، به ارائه بینش‌هایی می‌پردازد که می‌توانند نرخ موفقیت بالاتری را در اقدامات کارآفرینانه ایجاد کنند. نرخ نگران‌کننده شکست ۹۰ درصدی کسب‌وکارهای نوپا مستلزم درک عمیق‌تری از این موضوع است که چگونه کارآفرینان می‌توانند از شکست، به عنوان عاملی برای افزایش احتمال موفقیت‌های آتی استفاده کنند. در واقع این پژوهش به دنبال تجهیز کارآفرینان به بینشی کاربردی است تا بتوانند ضمن مهار نیروی

<sup>1</sup> Jenkins

<sup>2</sup> Liu

<sup>3</sup> Freidooni

<sup>4</sup> GEM

<sup>5</sup> Ucbasaran

<sup>6</sup> Shepherd & Cardon

<sup>7</sup> Karimi

<sup>8</sup> Tang

شکست، آن را به پله‌هایی برای ارتقا و موفقیت تبدیل کنند. این مهم، البته در سایه فهم متغیرهای شناختی حاصل خواهد شد. این پژوهش کارآفرینان را تشویق می‌کند که شکست را نه به عنوان یک پیامد نامطلوب، بلکه به عنوان مخزنی از قابلیت‌های استفاده نشده، بپذیرند. همچنین الگوی جدیدی را برای کارآفرینانی که مشتاق تبدیل ناملایمات به فرصت هستند، شکل می‌دهد.

در حالی که مطالعات تجربی درباره تأثیر عوامل شناختی اثرگذار بر یادگیری از شکست کارآفرینان محدود است (شپرد و پاتزلت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸؛ کانن و ادموندسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵)، این پژوهش سفری بی‌پایان با هدف ترمیم شکاف علمی و عملی موجود، از طریق شناسایی مکانیسم‌های شناختی آغاز کرده است که زیربنای تجدید حیات موفقیت آمیز اقدامات کارآفرینی، پس از شکست است. این مطالعه سه هدف را دنبال می‌کند: نخست، شناسایی عوامل شناختی تسهیل‌گر یادگیری از شکست؛ دوم، شناسایی عوامل شناختی مانع یادگیری از شکست؛ و سوم، بررسی اولویت متغیرهای شناختی اثرگذار بر یادگیری کارآفرینان سریالی از شکست. بدین سبب در این پژوهش تلاش شد تا نخست با روش فراترکیب، مروری بر مبانی نظری پژوهش‌های پیشین صورت پذیرد و از این طریق متغیرهای شناختی مورد بحث احصا گردد، در ادامه نیز اهمیت این متغیرها از منظر خبرگان کارآفرینی که خود تجربه کارآفرینی سریالی داشته‌اند مورد واکاوی قرار گرفت و تلاش شد تا نوری ضعیف بر حوزه عمیق و وسیع کارآفرینی شناختی که بخش‌های عمده آن هنوز تاریک و کشف نشده باقی مانده است، تابانده شود.

## مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### کارآفرینان سریالی

کارآفرینان، اشخاص دارای اراده قوی‌اند که خلاقیت، پایداری، اراده و موفقیت اجتناب ناپذیرشان، آنان را به قهرمانان روز تبدیل می‌کند. به آن دسته از کارآفرینان عادی که قبل از ورود به سرمایه‌گذاری جدید، در سرمایه‌گذاری‌های قبلی هم نقش دارند، کارآفرین سریالی<sup>۳</sup> گفته می‌شود. آن‌ها بخشی از مالکان کسب‌وکار می‌باشند که حدود ۵۱ تا ۶۳ درصد در ایالات متحده آمریکا، ۳۴ درصد در نروژ، ۴۹ درصد در استرالیا و ۵۲ درصد در بریتانیا را نمایندگی می‌کنند (اکباساران، ۲۰۰۸). شواهد فزاینده‌ای از مشارکت اقتصادی کارآفرینان سریالی وجود دارد (ساراسواتی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹) و پژوهش‌های پیشین بیان داشته‌اند، احتمال ورود مجدد کارآفرینان با تجربه به عرصه کسب‌وکار، بیشتر از سایر کارآفرینان است (آمرال<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱؛ اسپیواک<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴؛ استم<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸) آنها زمانی که تمایل داشته باشند شرکت‌های بعدی (جدید) ایجاد کنند و بازده سرمایه‌گذاری‌های گذشته خود را بهبود بخشند، این کار را انجام می‌دهند. خودکارآمدی فرایندهای شناختی را از طریق تجارب مهارتی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های متوالی ارتقا می‌بخشد. پارکر<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) به این نتیجه رسید که جسارت (مبادرت ورزیدن) کارآفرینان سریالی، یادگیری و مزایای اقتصادی ایجاد می‌کند که از

<sup>1</sup> Shepherd & Patzelt

<sup>2</sup> Cannon & Edmondson

<sup>3</sup> Serial Entrepreneur

<sup>4</sup> Sarasvathy

<sup>5</sup> Amaral

<sup>6</sup> Spivack

<sup>7</sup> Stam

<sup>8</sup> Parker

یک سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری بعدی سرایت می‌کند. این مهم توجه ما را به موضوع مهم دیگری معطوف می‌کند و آن یادگیری کارآفرینانه است که در ادامه بررسی می‌شود.

### یادگیری کارآفرینانه

فرآیند یادگیری مولد از تجربه کارآفرینی گذشته، ممکن است بر الگوهای شناختی یک فرد تأثیر بگذارد؛ این موضوع (یادگیری) می‌تواند در تصمیم‌گیری (فرد) برای شرکت در یک سرمایه‌گذاری جدید مهم باشد و در نتیجه (تبدیل به) یک کارآفرین سریالی شود. استدلال می‌شود که طرح شناختی کارآفرین سریالی، آگاهانه از تجربیات کارآفرینانه پیشین از طریق یادگیری مولد و اینکه آیا تجربه شامل مهارت متعارف دانش ضمنی یا تلاش‌های قبلی برای نوآوری و انحراف از قراردادهای (سنت‌ها) است، نشأت می‌گیرد (والیانت و لافونته<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). انباشت شناخت‌ها و (تجربیات) خاص کارآفرینی برای تمایل به تبدیل شدن یک کارآفرین سریالی مهم است، اما ممکن است با از دست دادن جاه طلبی کارآفرینی که توسط کارآفرینان سریالی با تجربه قبلی منفی نشان داده می‌شود، تحت الشعاع قرار گیرد. یادگیری کارآفرینانه در سطوح مختلف ظاهر می‌شود. بر اساس دیدگاه‌ها و نظریات صاحب نظران، سه سطح یادگیری متمایز اما مرتبط با هم وجود دارد: سطح نخست، یادگیری فردی است که اشاره به تغییر مهارت‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها دارد و از طریق مطالعه شخصی، آموزش‌های مبتنی بر فناوری کسب می‌شود. سطح دوم یادگیری گروهی یا تیمی است و مربوط به افزایش دانش، مهارت و شایستگی‌هایی است که به کمک گروه‌ها و با حضور در آن‌ها به دست می‌آید. سطح سوم، یادگیری سازمانی است. این سطح بیانگر، قابلیت‌های فکری و بهره‌وری است که در نتیجه آن، بهبود مستمر در سراسر سازمان حاصل می‌شود (زالی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). طبق شواهد و سوابق موجود در زمینه انواع یادگیری کارآفرینانه، در برخی موارد یادگیری تجربی نیز از ابعاد سطوح یادگیری کارآفرینانه به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان بیان نمود که یادگیری کارآفرینانه در ابعاد فردی، تیمی، سازمانی (درون سازمانی، بین سازمانی و یادگیری تجربی) مورد توجه قرار می‌گیرد.

### یادگیری از شکست

سینگ<sup>۳</sup> و همکاران بیان می‌کنند که شکست رویدادی ناگوار با پیامدهای عمده برای شرکت است. همچنین شکست به معنی عدم تداوم کسب‌وکار، به دلایل متعدد - از جمله مشکلات قانونی، اختلاف در شراکت، فوت و تغییر در سود - است که موجب انتقال به کسب‌وکار مشابه می‌شود. سینگ (۲۰۱۱) اظهار می‌کند حداقل چهار گونه تعریف برای توضیح صریح و روشن شکست به کار برده شده است: شکست در برون رفت از یک موقعیت، ورشکستگی، انحلال کسب‌وکار برای پرهیز از زیان بیشتر، و عدم تداوم. کلهو و مک‌کلور<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) شکست کسب‌وکار را عبارت از «ناتوانی شرکت در بقا» می‌دانند؛ به این معنی که درآمد به اندازه کافی بیشتر از هزینه‌ها نیست و این امر موجب کاهش جذابیت برای ادامه فعالیت می‌شود. دو تعریف اخیر کمی گسترده‌تر از ورشکستگی است که در آن الزما شرکت باید

<sup>1</sup> Learning

<sup>2</sup> Vaillant & Lafuente

<sup>3</sup> Zali

<sup>4</sup> Singh

<sup>5</sup> Failure

<sup>6</sup> Coelho & McClure

ورشکسته شود تا «شکست» شناخته شود. کریزی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) شکست را «سقوط ارزش شرکت به پایین تر از هزینه فرصت ماندن در کسب و کار» تعریف کرده است. این تعریف به این معناست که وقتی کارآفرین می بیند که چشم انداز باقی ماندن در کسب و کار به اندازه قابل توجهی نسبت به خروج کمتر است آن کسب و کار جذابیت خود را از دست می دهد. تعریف کریزی تأکید بیشتری بر هزینه فرصت نسبت به سوددهی دارد. گلدرا<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) عبارت توقف بهره برداری را به کار برده است؛ بنابراین به ایده عدم تداوم (قطع) اشاره می کند. این تعریف ایده «مجبور» بودن به توقف بهره برداری را به دلیل «نبود منابع و یا بحران مالی به شکست مرتبط می کند». استوک و بلک برن<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) معتقدند که تعطیلی کسب و کار می تواند به دلایل دیگری مانند بازنشستگی، بیماری، فرصت های جذاب تر و فروش سودآور کسب و کار باشد. این در حالی است که برخی نویسندگان برای این حالت ها نیز واژه «شکست» را به کار می برند (کوپه<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). تعاریف شکست را می توان در قالب سه دیدگاه دسته بندی نمود: دیدگاه نخست شکست را معادل تعطیل شدن و انحلال کسب و کار می داند؛ براساس این تعریف هر کسب و کاری که از ادامه فعالیت خود دست کشیده و منحل شود، شکست خورده تلقی می گردد. این دیدگاه با انتقادهای زیادی روبه رو است؛ زیرا براساس این دیدگاه هر کارآفرینی که یک کسب و کار را منحل نماید، ناموفق قلمداد می شود. در حالی که دلایل زیادی از جمله: پایان زمان مأموریت و دستیابی کامل به اهداف و همچنین مشکلات شخصی مدیریتی برای منحل شدن یک کسب و کار وجود دارد. دیدگاه دوم تعریف دقیق تری از شکست ارائه داده است و آن را معادل شکست تجاری می داند. این تعریف به کسب و کاری اشاره می کند که به اهداف نرسیده و ورشکست شده، در نتیجه ناگزیر است که برخلاف تمایل خود از ادامه فعالیت دست کشیده و به انحلال تن دهد (سینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). شکست کارآفرینانه زمانی رخ می دهد که درآمدهای سازمان به شدت کم شده یا هزینه های آن به قدری زیاد شود که شرکت ورشکست شده و امکان ادامه فعالیت آن با مالکیت و مدیریت فعلی وجود نداشته باشد. آخرین دیدگاه، شکست را لزوماً به معنای انحلال کسب و کار تلقی نکرده، بلکه از شکست به عنوان عدم دستیابی کارآفرینان به اهداف تعیین شده در زمان تأسیس یا مدیریت کسب و کار خود یاد می کند.

آنچه که ممکن است در نگاه نخست، به عنوان یک شکست کارآفرینی تلقی گردد، احتمال دارد فردی به عنوان یک کارآفرین سریالی، مزایای شناختی تجربه شکست را در یک کسب و کار جدید تشخیص دهد. فرآیند یادگیری مولد از تجربیات کارآفرینی گذشته الگوهای شناختی فرد را به گونه ای تحت تأثیر قرار می دهند که می تواند در تصمیم گیری فرد برای درگیر شدن مجدد در یک سرمایه گذاری جدید و در نتیجه تبدیل شدن به یک کارآفرین سریالی مهم باشد.

<sup>1</sup> Cressy

<sup>2</sup> Gelder

<sup>3</sup> Stokes & Blackburn

<sup>4</sup> Cope

<sup>5</sup> Singh



## عوامل شناختی مؤثر بر یادگیری

هدف علوم شناختی نه تنها توصیف انواع راه حل‌های مسئله و یادگیری، بلکه تبیین شیوه انجام این اعمال به وسیله ذهن است. علوم شناختی به دنبال تبیین کارکرد تفکر است؛ مثل این که چرا و چه زمانی مردم تصمیم‌های نادرست می‌گیرند، دانشمندان علوم شناختی تفکر را نوعی رایانه می‌دانند و برای توصیف و تبیین نحوه حل مسئله و یادگیری، از استعاره محاسباتی استفاده می‌کنند. یادگیری از مهمترین اهداف تحقیق در علوم شناختی است (سعید و ده قطب-الدینی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). فرایندهای فراشناختی، به معنای شناخت، برشناخت و نظارت بر درک مطلب، توانایی استفاده از راهبردهای صحیح یادگیری، برنامه‌ریزی و بررسی نتایج و فعالیت‌ها به وسیله فراگیران است. این عامل در میان عوامل ۲۸ گانه مؤثر بر یادگیری در مرتبه دوم تأثیر قرار دارد. به هر حال باید گفت از دهه ۷۰ به بعد که مسئله فراشناخت مطرح شد. مباحثات و مطالعات فراوانی در باره آن صورت گرفته است به طوری که نتایج برخی از این مطالعات نشان می‌دهد که بعضی از مشکلات یادگیری، به مهارت‌های ضعیف شناختی و فراشناختی فراگیران مربوط است. مطالعات حتی تفاوت بین دانش آموزان تیزهوش و عادی را در مؤلفه‌های فراشناختی - مانند اعتقاد راجع به علم، یادگیری و توانایی - نیز مورد تأیید قرار می‌دهند. فرایندهای شناختی مؤثر بر یادگیری، شامل هوش عمومی، دانش و اطلاعات قبلی فراگیران، قابلیت و شایستگی در خواندن، ریاضیات و دانش کلامی می‌باشد. این عامل نیز در مرتبه سوم میزان تأثیر بر یادگیری قرار دارد. تأثیر آموزش مبتنی بر حل مسئله با تکیه بر مؤلفه علوم شناختی بر سطوح یادگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران در درس میکروبی شناسی پزشکی به این نتایج دست یافته که آموزش به روش یادگیری بر اساس حل مسئله با تکیه بر مؤلفه های علوم شناختی در ارتقای توانایی و مهارت‌های ذهنی و یادگیری ماندگار مؤثر است. چن<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در بررسی نقش مؤلفه‌های علوم شناختی در یادگیری دانشجویان دریافت که فراشناخت با کمک به تکمیل وظایف و انجام فعالیت‌های حل مسئله، یادگیری را بهبود می‌بخشد. پرینز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی به این یافته‌ها رسیدند که فراشناخت پیش‌بینی کننده واقعی یادگیری و مستقل از هوش است. همچنین سعید و همکاران (۲۰۲۱) در نتایج تحقیق خود نشان دادند که کاربرد راهبردهای شناختی و فراشناختی دانشجویان در آموزش مجازی باعث ارتقای پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود. بر اساس رویکرد شناختی زمانی کیفیت یادگیری بالاست، که برای یادگیری انگیزه کافی وجود داشته باشد و محیط برای یادگیرنده پرچالش باشد. شناخت‌گراها، یادگیری را فرایندی درونی می‌بینند که شامل حافظه، تفکر، انتزاع، تأمل، انگیزش و فراشناخت است. سازه گرایان شناختی ادعا می‌کنند، اندیشه و تفکر منطقی تأثیر مهمی در یادگیری دارد. میزان یادگیری به ظرفیت پردازش یادگیرنده، تلاش وی برای یادگیری، عمق پردازش و ساختار دانش او وابسته بوده و این دیدگاه بر محور اصلی حافظه و تفاوت‌های فردی استوار است.

<sup>1</sup> Saeed & Deh Qutbaddini

<sup>2</sup> Chen

<sup>3</sup> Prins

## پژوهش‌های پیشین

کریمی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که اکثریت کارآفرینان، تجربه شکست دارند و تأیید می‌کنند که با یادگیری از شکست می‌توانند اقدام به سرمایه‌گذاری جدید کنند. نتایج پژوهش محمدی الیاسی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۳) بیانگر این بود که یادگیری از راه انجام کار، بیشترین مقبولیت را در بین کارآفرینان ایرانی داشته و میزان یادگیری با روش‌های آموزشی، از کمترین استقبال برخوردار است. از بین روش‌های یادگیری نیز شیوه یادگیری از طریق خطا و اشتباه بیشترین و شیوه یادگیری از کتاب و مجلات کمترین استفاده را داشته است. لتچر و وویک<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) به بررسی یادگیری کارآفرینانه از شکست با رویکرد مروری و به صورت نظامند پرداختند. این مقاله مروری بینشی درباره تمام مراحل فرایند یادگیری کارآفرینی از شکست، فراهم می‌کند، به ویژه، ماهیت شکست و تأثیر راه‌اندازی آن برای بازتاب، عوامل مؤثر بر تفکر، محتوای یادگیری و کاربرد آن‌ها در ظهور مجدد کارآفرینی هستند. وی و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) با مطالعه عوامل اثرگذار بر یادگیری کارآفرینانه از شکست نشان دادند که خودکارآمدی کارآفرینان به عنوان یک عامل تأثیرگذار کلیدی از یادگیری کارآفرینانه از شکست می‌تواند به وسیله غنی سازی تجربه شغلی موفق کارآفرینان، قابل پرورش و بهبود باشد. علاوه بر این، قوانین احساسات پس از شکست کارآفرینی یک عامل تأثیرگذار کلیدی در یادگیری کارآفرینانه از شکست و مدیریت احساسات به عنوان بخشی از آموزش کارآفرینانه است. سینگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) در مقاله خویش با عنوان کنارآمدن با شکست کارآفرینانه نشان دادند که شکست کسب و کار بر چهار جنبه اساسی زندگی کارآفرینان یعنی ابعاد مالی، اجتماعی، روانشناختی و فیزیولوژیک اثرگذار خواهد بود. لافونته و وایلانته<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر تجربه‌های منفی و شکست‌های کارآفرینان بر کارآفرینی مجدد در فضای بین‌المللی پرداختند و دریافتند که تجربه عملی یک پیش‌نیاز ضروری برای یادگیری کارآفرینانه است و انعطاف پذیری افرادی که تجربه کارآفرینی منفی دارند، یادگیری کارآفرینی مولد را به ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های بعدی بین‌المللی تقویت می‌کند. بوسو<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۸) به این سؤال پاسخ دادند که آیا همیشه کارآفرینان از تجربه شکست کسب و کار بهره می‌برند؟ با استفاده از داده‌های ۲۴۰ کارآفرین در صنایع مختلف در آفریقا مشخص شد که تجربه شکست کسب و کار همیشه بر عملکرد سرمایه‌گذاری جدید تأثیر نمی‌گذارد. در عوض، تجربه شکست کسب و کار زمانی بر عملکرد سرمایه‌گذاری جدید تأثیرگذار است که یادگیری کارآفرینی وجود داشته باشد. لین و وانگ<sup>۸</sup> (۲۰۱۸) چگونگی تأثیرگذاری سن کارآفرینان سریالی بر سرعت سرمایه‌گذاری مجدد پس از یک شکست کسب و کاری را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که هرچه کارآفرینان سریالی مسن‌تر باشند، زمان بیشتری برای خطرپذیری مجدد لازم دارند. علاوه بر این، هرچه ضرر شکست بالاتر باشد، سرعت سرمایه‌گذاری مجدد، کندتر است. در نتیجه،

<sup>1</sup> Karimi

<sup>2</sup> Mohammadi Elyasi

<sup>3</sup> Lattacher & Wdowiak

<sup>4</sup> Wei, Chen, Zhang & Gong

<sup>5</sup> Singh

<sup>6</sup> Lafuente & Vaillant

<sup>7</sup> Boso

<sup>8</sup> Lin & Wang

رابطه بین سن کارآفرینان سریالی و سرعت سرمایه‌گذاری دوباره آنها زمانی قوی‌تر است که ضرر شکست بزرگ باشد و زمانی ضعیف‌تر است که حمایت خانوادگی قوی باشد.

در پیشینه مطرح شده، مشاهده می‌شود که به موضوع پر اهمیت یادگیری از شکست در کارآفرینان سریالی کمتر توجه شده است و در این حوزه پژوهشی، شکاف مهمی وجود دارد. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اکثر کارآفرینان شکست را تجربه کرده‌اند و معتقدند که این تجارب می‌تواند برای آنها منبع الهام بخشی از یادگیری باشد. با این حال، مکانیسم‌های شناختی یادگیری کارآفرینانه بویژه یادگیری از شکست، به صورت کامل مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. مطالعات پیشین همچنین نشان می‌دهند که یادگیری کارآفرینانه از شکست، بویژه از طریق انجام کار (عملی) شکل می‌گیرد و یادگیری از روش‌های آموزشی تأثیر کمتری دارد. این نتایج نشان می‌دهند که آموزش‌های رسمی کمترین تأثیر را در فرآیند یادگیری از شکست دارند، درحالی که تجربه عملی از شکست کارآفرینانه اثرگذاری بیشتری دارد. از آنجا که شکست کارآفرینانه بر ابعاد مالی، اجتماعی، روانشناختی و فیزیولوژیک کارآفرینان تأثیرگذار است، یادگیری از شکست به مثابه پیش‌نیازی برای کارآفرینی مجدد و موفق محسوب می‌شود. همچنین، عواملی مانند خودکارآمدی کارآفرینان و عواطفی که پس از شکست ایجاد می‌شوند نقش اساسی در یادگیری کارآفرینان از شکست را ایفا می‌کنند. در نتیجه، طبق آنچه مرور شد، اهمیت یادگیری از شکست در کارآفرینی و توانایی استفاده از تجربه‌های منفی برای کارآفرینی مجدد و موفق از جمله حقایقی است که درزمینه علوم شناختی و مکانیسم‌های یادگیری کارآفرینانه، نیازمند توجه بیشتری است.

### روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل شناختی اثرگذار بر یادگیری از شکست کارآفرینان سریالی است. این مطالعه از منظر هدف یک پژوهش کاربردی، از منظر گردآوری اطلاعات یک پژوهش آمیخته و از منظر ماهیت نیز یک پژوهش استقرایی و قیاسی است. در بخش اول پژوهش تلاش شد تا مکانیسم‌های شناختی اثرگذار بر یادگیری در حوزه کارآفرینی با روش فراترکیب استخراج و سپس با بکارگیری روش خبره‌سنجی این متغیرها اولویت‌بندی شوند. بدین ترتیب رویکردی آمیخته<sup>۱</sup> در انجام پژوهش پیش گرفته شد. فرایند اجرایی پژوهش در بخش اول از الگوی سندلوسکی و بارسو<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) که دارای مراحل هفتگانه تنظیم سؤال، بررسی نظام‌مند متون، جست‌وجو و انتخاب مناسب منابع، استخراج اطلاعات، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها، کنترل کیفیت و ارائه یافته‌ها می‌باشد، استفاده شد. در این بخش با استفاده از جستجوی مبتنی بر کلیدواژه‌های کارآفرین سریالی، یادگیری، یادگیری از شکست و شناخت، تعداد ۶۷۱ اثر پژوهشی شناسایی شد که در ابتدا با محدود کردن به مقالات علمی و پژوهشی و کتاب‌ها، تعداد ۴۸۷ اثر باقی ماند. سرانجام با اعمال معیارهای کیفی اعم از چکیده مرتبط، محتوای مرتبط، اعتبار مجلات و دسترسی‌پذیری درنهایت ۴۰ اثر پژوهشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها، روش تحلیل تم استفاده شد. به منظور بررسی پایایی از تکنیک پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. در این روش دو محقق به صورت جداگانه به کدگذاری پرداختند. پس از

<sup>۱</sup> Mixed Method

<sup>۲</sup> Sandelowski & Barroso

تحلیل‌های اولیه تعداد ۱۵۵ کد شناسایی شد که در ۶۴ کد توافق وجود داشت. طبق فرمول زیر درصد پایایی تقریباً برابر با ۸۲ درصد است که چون این رقم بیشتر از ۶۰ درصد است، می‌توان گفت پایایی بین کدگذاران وجود دارد:

$$\frac{64 * 2}{155} * 100 \approx 82\%$$

برای گردآوری داده‌ها در بخش خبره‌سنجی، پرسشنامه‌ای بر اساس روش بهترین-بدترین<sup>۱</sup> طراحی و در بین نفرات توزیع گردید. این افراد از بین کارآفرینان سریالی با حداقل دو شکست و بدون در نظر گرفتن محدودیت جغرافیایی به‌عنوان جامعه پژوهش در نظر گرفته شدند. در این بخش از روش قضاوتی هدفمند به‌عنوان روش نمونه‌برداری استفاده شد. پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار ۱۰ نفر از کارآفرینان سریالی با تجربه شکست، به‌عنوان افراد خبره و متخصص قرار گرفت. برای محاسبه وزن معیارها در این روش، نه گام پیشنهاد شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم:

گام ۱. تعیین مجموعه‌ای از معیارهای تصمیم: در این گام به مجموعه‌ای از معیارها به صورت  $\{C_1, C_2, \dots, C_n\}$  که باید در تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرند، پرداخته می‌شود.

گام ۲. تعیین بهترین (مهم‌ترین، مطلوب‌ترین) و بدترین (کم‌اهمیت‌ترین، حداقل مطلوبیت) معیار: در این گام تصمیم‌گیرنده مهم‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین معیار را مشخص می‌نماید. در این مرحله هیچ‌گونه مقایسه‌ای صورت نمی‌گیرد.

گام ۳. تعیین میزان ترجیح بهترین/مهم‌ترین معیار نسبت به سایر معیارها با استفاده از اعداد ۱ تا ۹: بردار حاصل از این مقایسه به این شکل خواهد بود:

$$a_{B1}, a_{B2}, \dots, a_{Bn}$$

$a_{Bj}$  نشان‌دهنده میزان ترجیح بهترین معیار B نسبت به معیار j است. پرواضح است که  $a_{BB} = 1$

گام ۴. تعیین میزان ترجیح سایر معیارها نسبت به بدترین/کم‌اهمیت‌ترین معیار با استفاده از اعداد ۱ تا ۹: بردار حاصل از این مقایسه به شکل زیر خواهد بود:

$$a_{1W}, a_{2W}, \dots, a_{nW}$$

$a_{jw}$  نشان‌دهنده میزان ترجیح معیار j نسبت به بدترین/کم‌اهمیت‌ترین معیار w است. پرواضح است که  $a_{ww} = 1$

گام ۵. تعیین اوزان بهینه  $(W_1, W_2, \dots, W_n)$ : تعیین وزن بهینه هر یک از شاخص‌ها زوج‌های

$$\frac{W_j}{W_W} = a_{jw} \text{ و } \frac{W_B}{W_j} = a_{Bj}$$

برای برآورده کردن این شرایط در همه زها، باید راه‌حلی پیدا شود تا عبارات

$$\left| \frac{W_B}{W_j} - a_{Bj} \right| \text{ و } \left| \frac{W_j}{W_W} - a_{jw} \right|$$

برای همه زهایی که حداقل شده است حداکثر شوند. با توجه به اینکه وزن‌ها غیر منفی و جمع‌پذیر می‌باشند، مسئله

$$\min \max_j$$

برنامه‌ریزی خطی زیر ارائه می‌گردد:

$$\left\{ \left| \frac{W_B}{W_j} - a_{Bj} \right| \cdot \left| \frac{W_j}{W_W} - a_{jw} \right| \right\}$$

S.t:

$$\sum_j W_j = 1$$

$$W_j \geq 0 \text{ for all } j$$

با حل مدل فوق، مقادیر بهینه  $(W_1, W_2, \dots, W_n)$  و مقدار  $\xi^*$  به دست خواهد آمد.

<sup>۱</sup> Best-Worst Method (BWM)

## یافته های پژوهش

جامعه و نمونه مورد مطالعه در این پژوهش را می توان در دو بخش آثار پژوهشی و خبرگان کارآفرینی تقسیم بندی کرد. برای آشنایی بیشتر با نمونه نهایی در هر دو بخش قبل از شروع تحلیل های کیفی، اطلاعات جمعیت شناختی این دو بخش ارائه می شود.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی

خبرگان		آثار پژوهشی	
۲۶ الی ۳۰ سال (۸۰ درصد)	سن	کسب و کار (۷۰ درصد)	حوزه
مرد (۸۰ درصد)	جنسیت	علمی و پژوهشی (۸۰ درصد)	نوع
کارشناسی ارشد (۷۰ درصد)	مدرک تحصیلی	۲۰۱۵ الی ۲۰۲۲ (۸۰ درصد)	زمان
۵ الی ۱۰ سال (۶۰ درصد)	سابقه کارآفرینی	انگلیسی (۹۰ درصد)	زبان

## فاز کیفی

تحلیل تم، یک رویکرد کلی برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی در نظر گرفته می شود. براون و کلارک (۲۰۲۱) از تحلیل موضوعی به عنوان "روش بنیادی برای تحلیل کیفی" یاد می کنند. هدف اساسی این روش جستجوی مضامین یا الگوهایی است که در یک مجموعه داده (مانند مجموعه ای از مصاحبه ها، مشاهدات، اسناد، خاطرات روزانه یا وبسایت هایی که در حال تحلیل هستند) رخ می دهد. در تجزیه و تحلیل تم با مضمون یک پژوهشگر داده های کیفی مرتبط با سؤال پژوهش خود را برای شناسایی مضامین یا الگوهایی برای تجزیه و تحلیل بیشتر، کدگذاری می کند. به عبارت دیگر تجزیه و تحلیل موضوعی یک روش منظم و درعین حال انعطاف پذیر و قابل دسترس برای تحلیل داده های کیفی ارائه می دهد. این روش سیستماتیک است زیرا روشی منظم و منطقی برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی فراهم می کند (ساندرز و همکاران، ۲۰۱۹). پس از پایش مقالات، با کدگذاری دستی صورت گرفته ۲۱۷ کد به دست آمد که با حذف کدهای تکراری و ناقص، ۱۵۵ کد اولیه شناسایی شد. تحلیل تم انجام شده در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. فرایند متراکم سازی کدهای اولیه و ایجاد دسته های فرعی و اصلی

دسته بندی اصلی	دسته بندی فرعی	کد ثانویه	فراوانی	نمونه کدهای اولیه
تسهیل کننده های یادگیری	فرایندهای ذهنی	هوشیاری کارآفرینانه	۴	هوشیاری کارآفرینانه، آگاهی کارآفرینانه، توانایی ذهنی، آگاهی از موفقیت والدین، ذهنیت هدفمند
		نیات کارآفرینانه	۱۱	مقاصد و رفتارهای کارآفرینانه، نیات کارآفرینانه، قصد کارآفرینانه، انگیزه، نگرش، نیت
		تفکر خلاق	۱۰	خلاقیت، مبتکر بودن، نوآوری، تفکر جانبی، تشویق خلاقیت، حل مساله، پردازش اطلاعات
	تصمیم گیری کارآفرینانه	۳	تصمیم به کارآفرینی، تصمیم گیری، قضاوت	
	تجربه زیسته	دانش پیشین	۱۲	دانش، آموزش، دانش قبلی افراد

<sup>1</sup> Braun & Clarke

<sup>2</sup> Saunders

خودکارآمدی کارآفرینانه	تجربه پیشین	۸	تجربیات قبلی، پیشینه کارآفرینانه، تجربه استارت‌آپی، تجربه کاری	
		احساس شایستگی	۳	شایستگی‌ها، خودآگاهی، خوداندیشی انتقادی
			۳	بازخورد مثبت جامعه، حمایت اجتماعی، ترغیب کلامی، ترغیب اجتماعی
	حمایت‌های اجتماعی	۹	خودکارایی کارآفرینانه، خودکفایتی، اعتماد به نفس، خودباوری	
		۸	اشتیاق، شور و اشتیاق، شیفتگی به کارآفرینی، لذت	
	شفتگی	۳	انگیزه برتری، موفقیت‌طلبی	
		۳	یادگیری کارآفرینانه، درس‌آموزی، یادگیری مستمر	
	فرایندهای یادگیری	۳	سخاوتمندی، خود آگاهی، ارتباطات مؤثر	
		۴	تمرکز، توجه	
		۷	خودکنترلی، وظیفه‌شناسی، نظم، عزم راسخ، پشتکار، مدیریت	
	تاب‌آوری کارآفرینانه	تحمّل ابهام	۶	تحمّل ابهام، تحمّل عدم اطمینان، تحمّل عدم قطعیت، واکنش به تغییرات، تحمّل ابهام و عدم اطمینان، واکنش به تغییرات سریع، انطباق
			۷	انعطاف‌پذیری کارآفرینانه
		سازگاری	۲	هویت کارآفرینانه
	موانع یادگیری	موانع شناختی	۸	شناسایی فرصت، جست‌وجوی فرصت، کشف فرصت، وسوسه فرصت
۴			کار به عنوان سرگرمی، کار به عنوان عادت، کار به عنوان زندگی، عادت، میانبرهای شناختی	
۴			خوش‌بینی	
۱			اندوه	
۱			پشیمانی از تصمیم	
۳			ترس از شکست، بازگشت از شکست	

### فاز کمی

بعد از اتمام فاز کیفی، پرسشنامه‌ای طراحی شد و در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان عرصه کارآفرینی که حداقل دو شکست در کارنامه خود داشتند، قرار گرفت. برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های توزیع شده میان خبرگان، از روش بهترین-بدترین به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چند متغیره استفاده شد. تصمیم‌گیری چند شاخصه به تصمیمات خاصی اطلاق می‌شود که در آن مجموعه جواب‌های قابل قبول و قابل شمارش وجود داشته و هدف، رتبه‌بندی تعدادی محدودی از گزینه‌ها بر مبنای خصوصیات هر معیار است. در این روش بهترین و بدترین شاخص توسط تصمیم‌گیرنده مشخص می‌شود و مقایسه زوجی بین هر یک از این دو شاخص (بهترین و بدترین) و دیگر شاخص‌ها صورت می‌گیرد.

گام ۱. تعیین مجموعه‌ای از معیارهای تصمیم: در این بخش مجموعه‌ای از معیارها که در تصمیم‌گیری مورد توجه قرار می‌گیرند، تعیین خواهند شد و به هر کدام از این معیارها نمادی نسبت داده خواهد شد. در پژوهش حاضر ۲۴ متغیر شناختی اثرگذار بر یادگیری از شکست کارآفرینان سریالی با استفاده از روش تحلیل تم به دست آمد که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۳. معیارهای تصمیم

نماد	توضیحات	گونه‌های شناسایی شده
۱C	هوشیاری کارآفرینانه عبارت است از توانایی فرد در جمع آوری، تبدیل و انتخاب اطلاعاتی که منجر به یک فرصت بالقوه کسب و کار می‌شوند.	هوشیاری کارآفرینانه
۲C	از دیدگاه شوک و براتیانو قصد کارآفرینانه نمایش دهنده قصد فرد برای شروع یک کسب‌وکار می‌باشد و یک فرایند آگاهانه ذهنی است که مقدم بر عمل بوده و تمایل فرد را به سمت شروع یک کسب‌وکار جدید هدایت می‌کند.	نیات کارآفرینانه
۳C	تفکر خلاق یعنی روشی برای بررسی و حل مسائل با استفاده از دیدگاهی متفاوت، اجتناب از راه حل های مرسوم و تفکر خارج از چارچوب.	تفکر خلاق
۴C	تصمیم‌گیری هایی از جنس کارآفرینانه می‌توانند جسورانه تر، بلند پروازانه تر و همچنین با ریسک توأمان باشند.	تصمیم‌گیری کارآفرینانه
۵C	دانش پیشین یعنی: اطلاعات متمایز فرد درباره موضوعی که توانایی شناسایی فرصت‌های مشخصی را برایش فراهم می‌سازد	دانش پیشین
۶C	به طور خاص تجربه پیشین در حوزه کارآفرینی مد نظر است.	تجربه پیشین
۷C	شایستگی به درجه‌ای که یک فرد می‌تواند وظایف شغلی را با مهارت انجام دهد اشاره دارد. افراد توانمند احساس شایستگی دارند و باور دارند که قابلیت و توانایی لازم، برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف را دارند.	احساس شایستگی
۸C	حمایت اجتماعی عبارت است از آرامش عاطفی و جسمانی که خانواده، دوستان یا همکاران و دیگران به شما می‌دهند. حمایت اجتماعی یعنی دانستن این مطلب که شما بخشی از جامعه ای هستید که شما را دوست دارد، برای شما ارزش قائل است و خیرخواه شما است.	حمایت‌های اجتماعی
۹C	خودکارآمدی، برآورد و تخمین فرد از توانایی های خود می باشد که برای اجماع بین انگیزه، منابع شناختی و فرایند عمل استفاده می کند تا بر حوادث زندگی کنترل بیشتری داشته باشد. طبق نظر موریانو و گرجیوسک قصدکارآفرینانه پیش درآمد و عامل مؤثر بر کارآفرینی است، از این رو می توان چنین استنباط نمود که فرد با باور به خودکارآمدی بالا، با نیت بیشتر و مصمم تر برای راه اندازی یک کسب‌وکار جدید پیش قدم خواهد شد.	خودکارآمدی کارآفرینانه
۱۰C	اشتیاق کارآفرینانه را احساسات مثبت شدیدی می‌دانند که آگاهانه دست یافتنی‌اند و از طریق مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینانه ای که مرتبط با هویت شخصی کارآفرینان است، تجربه می‌شوند.	اشتیاق کارآفرینانه
۱۱C	نیاز به توفیق طلبی، به زبان ساده میل به موفقیت و مقبولیت یافتن است و افراد را به سوی درگیر شدن با رفتارهای کارآفرینانه سوق می‌دهد. در واقع، کارآفرینان به دلیل وجود چنین نیازی، به کارهایی می‌پردازند که هر شخصی توان انجام آن را ندارد.	میل به موفقیت
۱۲C	یادگیری کارآفرینانه را می‌توان پژوهش خلاقانه، آزمایش مداوم، فراتر رفتن از هنجارهای اجتماعی و مرزهای محدود، طرأحی مجدد و خلاقانه منابع و امکانات بالقوه و تبدیل آنها به منابع بالفعل توصیف نمود.	یادگیری کارآفرینانه
۱۳C	تواضع کارآفرینانه دارای سه بعد عاطفی، شناختی و رفتاری است که هر کدام از این ابعاد زیر مجموعه‌هایی مثل سخاوتمندی، خود آگاهی، ارتباطات مؤثر هستند.	تواضع کارآفرینانه
۱۴C	به صرف توجه جهت شناسایی و جذب فرصت‌ها اطلاق می‌شود.	توجه کارآفرینانه
۱۵C	اگر اراده کنید و پایداری داشته باشید، بی شک موفق خواهید شد.	پشتکار
۱۶C	قدرت تحمل ابهام عبارت است از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانشی ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل بی آنکه شخص بدانند آیا موفق خواهد شد یا خیر.	تحمل ابهام

۱۷C	تاب آوری به ظرفیت برگشتن از شرایط و موقعیت های دشوار می گویند و اینکه ما چقدر می توانیم خودمان را بعد از تجربه شرایط سخت ترمیم کنیم. تاب آوری ظرفیتی برای مقاومت در برابر «استرس و بحران» است.	سازگاری
۱۸C	در یک تعریف اجمالی و وسیع، هویت کارآفرینانه آن معنایی است که کارآفرینان در مقام کارآفرین به خود منتسب می کنند و از طریق فرایندهای پویا، سیال و اغلب ناسازوار که از رهگذر کردارهای روایی و گفتگومانی شکل یافته در محیط اجتماعی صورت می پذیرد، به کردار کارآفرینانه معنا و جهت می بخشد.	هویت کارآفرینانه
۱۹C	میل و اشتیاق افراط گونه ای که در آن کارآفرین نسبت به کشف و شناسایی فرصت ها وسواس و حریص است.	وسوسه فرصت
۲۰C	عاداتی که کارآفرینان برتر در سطح جهانی ، با آن عادت ها شناخته می شوند.	عادات کارآفرینانه
۲۱C	خوش بینی، نگرشی مثبت است به جهان پیرامون و فرد خوش بین با چنین نگرشی در تلاش است که دنیا را به صورت بهتری ببیند. افراد خوش بین، می دانند که جهان کامل و ایده آل نیست و هیچ کس نمی تواند، همه صفات خوب و عالی را دارا باشد، اما آن ها در تلاش اند که بخش ها و وجوه مثبت قضا یا را ببینند و امیدوار باشند که جهان به سمت خوبی و خیر حرکت کند.	خوش بینی
۲۲C	اندوهی می تواند حاصل از شکست ها، ابهامات و... باشد.	اندوه کارآفرینانه
۲۳C	پشیمانی کارآفرین از تصمیماتی که در فرایند راه اندازی کسب و کار گرفته است.	پشیمانی از تصمیم
۲۴C	ترسی که به عواملی چون فرهنگ ، خانواده و ویژگی های فردی کارآفرین بستگی دارد.	ترس از شکست

گام ۲. تعیین بهترین (مهم ترین/مطلوب ترین) و بدترین (کم اهمیت ترین/حداقل مطلوبیت) معیار: در این گام تصمیم گیرنده مهم ترین و کم اهمیت ترین معیار را مشخص می نماید. در این مرحله هیچ گونه مقایسه ای صورت نمی گیرد. در جدول ۴ نتایج این تصمیم گیری آورده شده است. به این صورت که برای هر خبره شماره ای در نظر گرفته شده و نظر وی بر اساس شماره نمایش داده شده است. به عنوان مثال مطابق اطلاعات جدول، از نظر خبره چهارم مهم ترین معیار هوشیاری کارآفرینانه و بدترین معیار خودکارآمدی کارآفرینانه است.

جدول ۴. مهم ترین و کم اهمیت ترین معیارها

معیارها	بهترین	بدترین	معیارها	بهترین	بدترین	معیارها	بهترین	بدترین
هوشیاری کارآفرینانه	۴	-	خودکارآمدی کارآفرینانه	-	۴	تاب آوری	-	-
نیات کارآفرینانه	-	-	اشتیاق کارآفرینانه	۲	-	هویت کارآفرینانه	-	۶
تفکر خلاق	۸، ۶	-	میل به موفقیت	-	-	وسوسه فرصت	-	۹
تصمیم گیری کارآفرینانه	-	-	یادگیری کارآفرینانه	-	-	عادات کارآفرینانه	-	-
دانش پیشین	-	-	تواضع کارآفرینانه	۹	-	خوش بینی	-	۷، ۳
تجربه پیشین	۱۰، ۷، ۳	-	توجه کارآفرینانه	-	۵	اندوه کارآفرینانه	-	-
احساس شایستگی	-	۸	پشتکار	-	۱	پشیمانی از تصمیم	-	-
حمایت های اجتماعی	۵	۲	تحمل ابهام	-	۱۰	ترس از شکست	۱	-

در توضیح جدول ۳ باید اضافه شود که، به متغیرهای نیات کارآفرینانه، تصمیم گیری کارآفرینانه، دانش پیشین، میل به موفقیت، یادگیری کارآفرینانه، تاب آوری، عادات کارآفرینانه، اندوه کارآفرینانه و پشیمانی از تصمیم توسط هیچکدام از خبره ها اشاره نشد و به عنوان بهترین یا بدترین معیار برگزیده نشدند.

گام ۳. میزان ترجیح بهترین یا مهم ترین معیار نسبت به سایر معیارها با استفاده از اعداد ۱ تا ۹ که بر اساس نظر خبرگان تعیین و در جدول ۵ ارائه شده است.



جدول ۵. میزان ترجیح مهم‌ترین معیار نسبت به سایر معیارها

خبره معیارها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
هوشیاری کارآفرینانه	۵	۱	۹	۱	۵	۲	۲	۹	۱	۱
نیات کارآفرینانه	۶	۱	۹	۹	۵	۳	۹	۵	۲	۳
تفکر خلاق	۷	۳	۸	۹	۳	۱	۷	۱	۲	۱
تصمیم‌گیری کارآفرینانه	۷	۱	۶	۹	۷	۶	۹	۵	۳	۲
دانش پیشین	۵	۳	۲	۳	۵	۲	۳	۸	۲	۱
تجربه پیشین	۵	۱	۱	۱	۲	۴	۱	۷	۲	۱
احساس شایستگی	۵	۷	۹	۲	۳	۶	۵	۹	۲	۲
حمایت‌های اجتماعی	۴	۹	۹	۳	۱	۲	۸	۳	۴	۲
خودکارآمدی کارآفرینانه	۴	۱	۷	۸	۵	۲	۸	۴	۳	۱
اشتیاق کارآفرینانه	۴	۱	۷	۷	۵	۳	۵	۲	۲	۲
میل به موفقیت	۳	۳	۸	۹	۵	۳	۹	۵	۲	۳
یادگیری کارآفرینانه	۶	۱	۳	۷	۵	۲	۳	۸	۱	۲
تواضع کارآفرینانه	۶	۳	۸	۱	۵	۳	۵	۲	۱	۳
توجه کارآفرینانه	۷	۱	۳	۷	۵	۴	۴	۶	۲	۴
پشتکار	۹	۱	۳	۹	۳	۲	۴	۳	۴	۲
تحمل ابهام	۴	۳	۴	۳	۳	۲	۳	۴	۳	۵
تاب‌آوری	۴	۳	۵	۶	۳	۲	۲	۳	۴	۵
هویت کارآفرینانه	۶	۳	۹	۷	۵	۶	۳	۵	۴	۴
وسوسه فرصت	۷	۳	۷	۹	۳	۴	۵	۸	۵	۶
عادات کارآفرینانه	۷	۳	۵	۳	۳	۳	۴	۵	۴	۶
خوش‌بینی	۶	۳	۹	۷	۳	۳	۹	۷	۴	۵
اندوه کارآفرینانه	۵	۳	۹	۳	۲	۴	۷	۸	۳	۶
پشیمانی از تصمیم	۵	۳	۷	۷	۳	۶	۷	۶	۳	۵
ترس از شکست	۱	۳	۶	۱	۲	۲	۳	۶	۲	۵

گام ۴. میزان ترجیح سایر معیارها نسبت به بدترین یا کم‌اهمیت‌ترین معیار با استفاده از اعداد ۱ تا ۹ که بر اساس نظر خبرگان تعیین و در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. میزان ترجیح سایر معیارها نسبت به کم‌اهمیت‌ترین معیار

خبره معیارها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
هوشیاری کارآفرینانه	۶	۹	۱	۹	۳	۳	۸	۹	۶	۹
نیات کارآفرینانه	۶	۹	۱	۷	۳	۴	۵	۵	۶	۵
تفکر خلاق	۴	۵	۲	۸	۵	۷	۹	۹	۶	۸
تصمیم‌گیری کارآفرینانه	۴	۹	۳	۸	۳	۴	۶	۷	۶	۵
دانش پیشین	۶	۵	۹	۴	۵	۴	۸	۸	۶	۸
تجربه پیشین	۶	۵	۹	۳	۵	۴	۹	۸	۶	۹
احساس شایستگی	۴	۳	۳	۷	۷	۳	۵	۱	۷	۷
حمایت‌های اجتماعی	۶	۱	۱	۳	۹	۶	۴	۲	۴	۸
خودکارآمدی کارآفرینانه	۶	۱	۱	۱	۵	۳	۵	۳	۵	۸

۶	۶	۸	۸	۳	۷	۷	۲	۹	۶	اشتیاق کارآفرینانه
۶	۶	۵	۸	۴	۷	۸	۳	۵	۷	میل به موفقیت
۷	۷	۷	۷	۴	۵	۵	۹	۷	۷	یادگیری کارآفرینانه
۷	۷	۹	۵	۴	۵	۸	۱	۵	۷	تواضع کارآفرینانه
۵	۵	۵	۴	۳	۱	۳	۷	۷	۵	توجه کارآفرینانه
۷	۴	۸	۹	۶	۷	۷	۵	۹	۱	پشتکار
۱	۴	۶	۹	۶	۷	۸	۵	۵	۷	تحمل ابهام
۴	۴	۶	۸	۶	۷	۷	۵	۵	۷	تاب آوری
۶	۴	۴	۵	۱	۵	۶	۲	۵	۵	هویت کارآفرینانه
۵	۱	۵	۷	۴	۵	۷	۳	۵	۴	وسوسه فرصت
۵	۴	۲	۶	۴	۵	۷	۶	۵	۵	عادات کارآفرینانه
۵	۴	۲	۱	۵	۹	۶	۱	۷	۴	خوش بینی
۴	۳	۲	۲	۴	۵	۷	۱	۵	۶	اندوه کارآفرینانه
۳	۵	۲	۳	۵	۵	۷	۳	۵	۶	پشیمانی از تصمیم
۳	۶	۳	۵	۵	۵	۸	۳	۷	۹	ترس از شکست

گام ۵. در این مرحله با استفاده از توضیحات و فرمول‌های ارائه شده، وزن‌های بهینه  $(W_1^*, \dots, W_n^*)$  هریک از معیارها و مقدار  $\xi^*$  برای داده‌های به دست آمده از هر خبره محاسبه می‌شود. همچنین از اوزان به دست آمده برای هر معیار میانگین هندسی گرفته و بعد از محاسبه جمع همه میانگین‌ها، از تقسیم هر میانگین بر جمع میانگین‌ها، وزن نرمال را به دست می‌آید.

بر اساس نتایج، اوزان نهایی محاسبه شده، معیار "تجربه پیشین" با وزن نرمال ۰/۰۶۱۷۶۴ به عنوان بهترین معیار شناسایی شده است. همچنین معیار "وسوسه فرصت"، با وزن ۰/۰۲۶۳۹۳ به عنوان بدترین معیار شناخته شد.

گام ۶ محاسبه نرخ سازگاری (CR): در زمینه محاسبه نرخ سازگاری، تمام اعداد محاسبه شده برای  $\xi^*$  از ۰/۱ کوچک تر بوده بنابراین تمام مقایسات صورت گرفته سازگار و پایا هستند. در نهایت در جدول زیر اولویت بندی متغیرهای شناختی مؤثر بر یادگیری از شکست کارآفرینان سریالی بر اساس نظر خبرگان با روش بهترین-بدترین ارائه شده است (جدول ۷).

جدول ۷. اولویت بندی معیارها

رتبه	معیار	وزن	رتبه	معیار	وزن	رتبه	معیار	وزن
۱	تجربه پیشین	۰/۰۶۱۷۶۴	۹	تاب آوری	۰/۰۴۵۲۷۲	۱۷	نیات کارآفرینانه	۰/۰۳۵۵۶۶
۲	ترس از شکست	۰/۰۶۰۹۲۳	۱۰	پشتکار	۰/۰۴۳۷۳۷	۱۸	پشیمانی از تصمیم	۰/۰۳۴۸۲۶
۳	هوشیاری کارآفرینانه	۰/۰۵۴۱۴۴	۱۱	تحمل ابهام	۰/۰۴۱۲۷۵	۱۹	اندوه کارآفرینانه	۰/۰۳۳۷۴۳
۴	دانش پیشین	۰/۰۵۳۰۲۳	۱۲	توجه کارآفرینانه	۰/۰۳۸۹۶۴	۲۰	احساس شایستگی	۰/۰۳۳۲۵۳
۵	یادگیری کارآفرینانه	۰/۰۴۸۸۴۴	۱۳	خودکارآمدی کارآفرینانه	۰/۰۳۸۹۳۱	۲۱	تصمیم گیری کارآفرینانه	۰/۰۳۲۹۰۳
۶	تواضع کارآفرینانه	۰/۰۴۸۷۰۶	۱۴	عادات کارآفرینانه	۰/۰۳۸۳۵۴	۲۲	هویت کارآفرینانه	۰/۰۳۱۵۷۲
۷	تفکر خلاق	۰/۰۴۷۴۶۵	۱۵	حمایتهای اجتماعی	۰/۰۳۸۱۰۷	۲۳	خوش بینی	۰/۰۲۹۱۷۸
۸	اشتیاق کارآفرینانه	۰/۰۴۷۱۴۱	۱۶	میل به موفقیت	۰/۰۳۵۹۱۶	۲۴	وسوسه فرصت	۰/۰۲۶۳۹۳

## نتیجه گیری و پیشنهادات

این پژوهش با هدف بررسی عوامل شناختی مؤثر بر فرایند یادگیری کارآفرینان سریالی از شکست انجام شد. از طریق تجزیه و تحلیل موضوعی، ابتدا ۲۱۷ کد استخراج گردید که سپس به ۱۵۵ کد پالایش و در نهایت در ۲۴ مفهوم و ۸ دسته اصلی طبقه‌بندی شد. این متغیرهای شناختی شامل جنبه‌هایی مانند هوشیاری کارآفرینانه، نیات کارآفرینانه، تفکر خلاق، تصمیم‌گیری کارآفرینانه، دانش پیشین، تجربه پیشین، احساس شایستگی، حمایت‌های اجتماعی، خودکارآمدی کارآفرینانه، اشتیاق کارآفرینانه، میل به موفقیت، یادگیری کارآفرینانه، تواضع کارآفرینانه، توجه کارآفرینانه، پشتکار، تحمل ابهام، تاب‌آوری، هویت کارآفرینانه، وسوسه فرصت، عادات کارآفرینانه، خوش‌بینی، اندوه کارآفرینانه، پشیمانی از تصمیم و ترس از شکست بود. برای اولویت‌بندی این عوامل شناختی، پرسشنامه‌ای طراحی و برای نظرسنجی در بین ده نفر از کارآفرینان سریالی که حداقل دو شکست را تجربه کرده‌اند، توزیع شد. نتایج نشان داد که «تجربه قبلی» به‌عنوان مهم‌ترین معیار از سوی کارشناسان و «وسوسه فرصت» کم‌اهمیت‌ترین معیار در نظر گرفته شد. این یافته‌ها اهمیت تجربه قبلی در شکل‌دهی به فرایند یادگیری و تأثیر بالقوه آن بر تلاش‌های کارآفرینی آتی را برجسته می‌کند. علاوه بر این، درک این نکته ضروری است که شکست می‌تواند مانع یادگیری از تجربیات گذشته بازیابی پس از شکست شود. غلبه بر ترس از شکست و در آغوش گرفتن درس‌هایی که فراهم می‌آید، برای موفقیت کارآفرینی بسیار مهم است. عوامل شناختی شناسایی شده و بینش‌های به‌دست‌آمده از این تحقیق می‌تواند به کارآفرینان مشتاق و با تجربه در تلاش‌های آینده‌شان کمک کند. این پویایی‌ها با یافته‌های بسیاری از پژوهشگران از جمله؛ کرنر و پاولوویچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، فانگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، کرنر و همکاران (۲۰۱۷)، آمانکوا آموآ<sup>۳</sup> (۲۰۱۶)، آچامپونگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۷)، چشبورگ<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، آمالیا<sup>۶</sup> (۲۰۲۰)، لاناچر و ودویاک<sup>۷</sup> (۲۰۲۰)، اومرده<sup>۸</sup> (۲۰۲۰)، نوتاش<sup>۹</sup> (۲۰۱۳) دارای نقاط اشتراکی است اما از آنجا که این اقدامات بررسی جامعی از همه متغیرهای شناختی به صورت یکجا ندارند، نیازمند بهبود و توسعه هستند و این فرایند پویا به این پژوهش محدود نخواهد شد.

در عرصه عمل، درک عوامل شناختی مؤثر بر یادگیری از شکست در شروع یک فعالیت کارآفرینانه جدید به همان اندازه برای پیشرفت در سفر کارآفرینی ضروری است. تأکید بر اهمیت شکست به عنوان یک فرصت یادگیری می‌تواند انعطاف‌پذیری، خلاقیت و نوآوری را تقویت کند و کارآفرینان را در فعالیتهای بعدی خود آماده‌تر و سازگارتر سازد. پذیرش شکست به عنوان منبع درس‌ها و تجربیات ارزشمند می‌تواند منجر به عملکرد بهتر و سرمایه‌گذاری‌های عاقلانه در کسب‌وکارهای آینده شود.

همانطور که پژوهش حاضر اهمیت عوامل شناختی مختلف که نقش حیاتی در فرایند یادگیری از شکست را دارند، روشن کرده است، تحقیقات آتی می‌توانند تأثیر متقابل بین این متغیرهای شناختی و سایر عوامل زمینه‌ای، همچون ناتوانی مدیریت، حمایت مالی، سیاست‌های دولت و پویایی بازار را بررسی کنند. علاوه بر این، بررسی تأثیر شکست

<sup>1</sup> Corner & Pavlovich

<sup>2</sup> Fang et al

<sup>3</sup> Amankwah-Amoah

<sup>4</sup> Achampong et al

<sup>5</sup> Chesbrough

<sup>6</sup> Amalia

<sup>7</sup> Lattacher & Wdowiak

<sup>8</sup> Omorede

<sup>9</sup> Notash

بر انواع مختلف کارآفرینان (به عنوان مثال، مبتدی در مقابل با تجربه) و صنایع مختلف می‌تواند بینش عمیق‌تری درباره تفاوت‌های ظریف یادگیری کارآفرینانه از شکست ارائه دهد.

در نتیجه، یادگیری از شکست یک جنبه اساسی در توسعه کارآفرینی است و عوامل شناختی شناسایی شده بینش‌های ارزشمندی را هم برای اقدام‌گرایان کارآفرینی و هم برای محققان ارائه می‌دهد. کارآفرینان با پذیرش درس‌های شکست و استفاده از آنها به عنوان فرصت‌هایی برای رشد و بهبود، می‌توانند شانس موفقیت خود را در تلاش‌های آینده افزایش دهند. علاوه بر این، تحقیقات آینده باید به بررسی رابطه چند وجهی بین شکست و یادگیری کارآفرینانه ادامه دهند تا درک ما از این جنبه حیاتی فعالیت‌های کارآفرینانه را تقویت کنند.

## منابع

- زالی، محمدرضا. (۱۳۸۵). سازمان یادگیرنده. مارکوات، مایکل. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- فریدونی، علیرضا. موسی خانی، مرتضی. سخدری، کمال. عطائی، محمد. (۱۳۹۹). تدوین مدل آینده پژوهانه بازیابی، یادگیری و اقدام مجدد کارآفرینانه بر اساس واکاوی پژوهش‌های شکست کارآفرینان. *دوفصلنامه آینده پژوهشی ایران*، ۱، ۱۳۸-۱۰۵. <https://doi.org/10.30479/jfs.2020.12158.1136.105-138>
- کریمی، آصف. ملائی، محمد حمید. محمدیان، بهزاد. زرگران خوزانی، فاطمه. (۱۴۰۰). تأثیر تجربه شکست کسب‌وکار و یادگیری از شکست بر انجام سرمایه‌گذاری جدید کارآفرینان: مورد مطالعه استان قم. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*. ۱۴(۲). ۲۸۱-۲۹۹. <https://doi.org/10.22059/jed.2021.317684.653588.299-281>
- سعید، نسیم و احمدی ده قطب الدینی، محمد. (۱۳۹۹). فراتحلیل کاربرد علوم شناختی در یادگیری ترکیبی. *فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۸(۳)، ۲۱-۳۴. <https://doi.org/10.30473/etl.2021.42083.279534-21>
- محمدی الیاسی، قنبر؛ ایلی، خدایار و مثنوی، ندا. (۱۳۹۲). شناسایی الگوی منابع روش‌های یادگیری کارآفرینان نوپا. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۶(۴)، ۷۵-۹۳. <https://doi.org/10.22059/jed.2013.50799>
- نوتاش، هادی. (۱۳۹۲). ارائه چارچوب یادگیری از شکست کارآفرینان کارکنان ایرانی با نگاهی فرایندی. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۶(۴)، ۱۳۱-۱۴۹. <https://doi.org/10.22059/jed.2013.50802.149-131>

## References

- Achampong, F. K., Boadu, F. K., Agbeko, P.K., Anum, R. A. (2013). Post Construction Failure Analysis of Road Pavements in Ghana. *Civil and environmental research*, 3(7), 74-78.
- Amalia, S. (2020). The Influence of Narcissism on Entrepreneurial Failure Mediated by Entrepreneurial Learning from Failure (The Study on Nascent Entrepreneurs in Padang). *Master thesis*, Andalas University.
- Amaral, A., Miguel, R. B., Francisco, L. (2011). Serial Entrepreneurship: Impact of Human Capital on Time to Reentry. *Small Business Economics*, 37, 1-21. DOI: 10.1007/s11187-009-9232-4.

- Amankwah-Amoah, J., Boso, N., Antwi-Agyei, I. (2018). The Effects of Business Failure Experience on Successive Entrepreneurial Engagements: An Evolutionary Phase Model. *Group and Organization Management*, 43(4), 648-682. DOI: 10.1177/1059601116643447.
- Chesbrough, H. (2010). Business Model Innovation: Opportunities and Barriers. *Long Range Planning*, 43, 354-363. DOI: [10.1016/j.lrp.2009.07.010](https://doi.org/10.1016/j.lrp.2009.07.010)
- Boso, N., Adeleyeb, I., Donbesuorc, F., Gyensared, M. (2018). Do entrepreneurs always benefit from business failure experience? *Journal of Business Research*, 98, 370-379. DOI: 10.1016/j.jbusres.2018.01.063.
- Braun, V., Clarke V. (2021). Thematic analysis: A practical guide. *SAGE Publications*. ISBN 978-1-4739-5323-9.
- Cannon, M. D., Edmondson, A. C. (2005). Failing to learn and learning to fail (intelligently): how great organizations put failure to work to innovate and improve. *Long Range Planning*, 38 (3), 299-319. DOI: 10.1016/j.lrp.2005.04.005.
- Cope, J. (2011). Entrepreneurial learning from failure: An interpretative phenomenological analysis. *Journal of Business Venturing*, 26(6), 604-623. DOI: 10.1016/j.jbusvent.2010.06.002.
- Chen, L. H. (2010). Web-based learning programs: Use by learners with various cognitive styles. *Computers & Education*, 54(4), 1028-1035. DOI: 10.1016/j.compedu.2009.10.008.
- Coelho, P. R. P., McClure, J. E. (2005). Learning from failure, *Mid-American Journal of Business*, 20(1), 13-20. DOI: [10.1108/19355181200500001](https://doi.org/10.1108/19355181200500001).
- Corner, P. D., Singh, S., Pavlovich, K. (2017). Entrepreneurial resilience and venture failure. *International Small Business Journal*, 35(6), 687-708. DOI: [10.1177/0266242616685604](https://doi.org/10.1177/0266242616685604).
- Cressy, R. (2006). Why do most firms die young? *Small Business Economics*, 26(1), 103-116. DOI:10.1007/s11187-004-7813-9.
- Fang He, V., Sirén, C., Singh, S., Solomon, G., von Krogh, G. (2018). Keep Calm and Carry On: Emotion Regulation in Entrepreneurs' Learning from Failure. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 42(4), 605-630. DOI: [10.1177/1042258718783428](https://doi.org/10.1177/1042258718783428).
- Freidooni, A., Mousakhani, M., Sakhdari, K., Atae, M. (2020). Developing a futuristic studies model for entrepreneurial recovery, learning, and re-emergence, based on entrepreneurs' failure studies. *Journal of Iran Futures Studies*, 5(1), 105-138. DOI: 10.30479/JFS.2020.12158.1136. [In Persian].
- Gelder, J. L. V., Vries, R. E. D., Frese, M., Goutbeek, J. P. (2007). Differences in psychological strategies of failed and operational business owners in the Fiji Islands. *Journal of Small Business Management*, 45(3), 388-400. DOI: 10.1111/j.1540-627X.2007.00219.x.
- Jenkins, A. S., Wiklund, J., Brundin, E. (2014). Individual responses to firm failure: Appraisals, grief, and the influence of prior failure experience, *Journal of Business Venturing*, 29(1), 17-33. DOI: 10.1016/j.jbusvent.2012.10.006.
- Karimi, A., Mollaei, M. H., Mohammadian, B., Zargarani, F. (2021). The Impact of Business Failure Experience and Learning from Failure on New Venture Performance of Entrepreneur - Case Study of Qom Province. *Journal of Entrepreneurship Development*, 14(2), 281-299. DOI: 10.22059/JED.2021.317684.653588. [In Persian].
- Lattacher, W., Wdowiak, M. A. (2020), Entrepreneurial learning from failure, A systematic review. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 26(5). 1093-1131. DOI: 10.1108/IJEBR-02-2019-0085.
- Lin, S., Wang, S. (2018). How does the age of serial entrepreneurs influence their re-venture speed after a business failure? *Small Business Economics*, 52, 651-666. DOI: 10.1007/s11187-017-9977-0.

- Liu, Y., Li, Y., Hao, X., Zhang, Y. (2019). Narcissism and learning from entrepreneurial failure. *Journal of Business Venturing*, 34(3), 496-512. DOI: 10.1016/j.jbusvent.2019.01.003.
- Mohammadi Elyasi, G., Abili, K., Masnavi, N. (2013). Identifying the Learning Sources and Methods of Novice Entrepreneurs. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(4), 75-93. DOI: 10.22059/JED.2013.50799. [In Persian].
- Notash, H. (2013). Developing a Framework of Entrepreneurial Learning from Failures for Iranian Habitual Entrepreneurs: A Process Approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(4), 131-149. DOI: 10.22059/JED.2013.50802. [In Persian].
- Omoredede, A. (2021). Managing crisis: a qualitative lens on the aftermath of entrepreneurial failure. *Int Entrep Manag J*, 17, 1441-1468. DOI: 10.1007/s11365-020-00655-0.
- Page, J., Söderbom, M. (2015). Is small beautiful? Small enterprise, aid and employment in Africa. *African Development Review*, 27(1), 44-55.
- Parker, Simon C. (2013). Do serial entrepreneurs run successively better-performing businesses? *Journal of Business Venturing*, 28(5), 652-666. DOI: 10.1016/j.jbusvent.2012.08.001.
- Patel, L. (2015). *Decolonizing educational research: From ownership to answerability*. Routledge. DOI: 10.4324/9781315658551.
- Prins, F. J., Veenman, M. V. J., Elshout, J. J. (2006). The impact of intellectual ability and metacognition on learning: New support for the threshold of problematicity theory. *Learning and Instruction*, 16(4), 374-387. DOI: 10.1016/j.learninstruc.2006.07.008.
- Saeed, N., Ahamdi Deh Qutbaddini, M. (2021). Meta-Analysis of the Application of Cognitive Sciences in Blended Learning. *Research in School and Virtual Learning*, 8(3), 21-34. DOI: 10.30473/etl.2021.42083.2795. [In Persian].
- Sandelowski, M. Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer Publishing Company, New York.
- Saunders, M., Lewis, P. Thornhill, A. (2019). *Research Methods for Business Students. 8th Edition*, Pearson, Harlow.
- Sarasvathy, S. D., Ramesh, A. (2019). An effectual model of collective action for addressing sustainability challenges. *Academy of Management Perspectives*, 33(4), 405-424. DOI: 10.5465/amp.2017.0090
- Shepherd, D. A., Patzelt, H. (2018). *Entrepreneurial cognition: Exploring the mindset of entrepreneurs*. Springer Nature. DOI: 10.1177/0266242620956.
- Shepherd, D. A., Patzelt, H., Wolfe, M. (2011). Moving forward from project failure: Negative emotions, affective commitment, and learning from the experience. *Academy of Management Journal*, 54(6), 1229-1259. DOI: 10.5465.amj.2010.0102.
- Shepherd, D.A. Cardon, M.S. (2009). Negative Emotional Reactions to Project Failure and the Self-Compassion to Learn from the Experience. *Journal of Management Studies*, 46, 923-949. DOI: 10.1111/j.1467-6486.2009.00821. x.
- Singh, S. (2011). *Experiencing and learning from entrepreneurial failure, Ph. D. thesis*, The University of Waikato.
- Singh, S., Corner, P., Pavlovich, K. (2007). Coping with Entrepreneurial Failure. *Journal of Management and Organization*, 13(4), 331-344. DOI:10.5172/jmo.2007.13.4.331
- Spivack, A. J., McKelvie, A., Haynie, J. M. (2014). Habitual entrepreneurs: Possible cases of entrepreneurship addiction? *Journal of Business Venturing*, 29(5), 651-667. DOI: /10.1016/j.jbusvent.2013.11.002.

- Stam, E., Audretsch, D., Meijaard, J. (2008). Renascent entrepreneurship. *Journal of Evolutionary Economics*, 18(3-4), 493-507. DOI: /10.1007/s00191-008-0095-7.
- Stokes, D. Blackburn, R. (2002). Learning hard way: the lessons of owner-managers who have closed their businesses. *Journal of small business and enterprise development*, 9(1), 17-27. DOI: 10.1108/14626000210419455.
- Tang, J., Kacmar, K. M. M., Busenitz, L. (2012). Entrepreneurial alertness in the pursuit of new opportunities. *Journal of business venturing*, 27(1), 77-94. DOI: 10.1016/j.jbusvent.2010.07.001.
- Ucbasaran, D., Shepherd, D. A., Lockett, A., Lyon, S. J. (2013). Life after business failure: The process and consequences of business failure for entrepreneurs. *Journal of management*, 39(1), 163-202. DOI: 10.1177/0149206312457823.
- Ucbasaran, D., Westhead, P., Wright, M., Flores, M. (2010). The nature of entrepreneurial experience, business failure and comparative optimism. *Journal of Business Venturing*, 25(6), 541-555. DOI: 10.1016/j.jbusvent.2009.04.001.
- Ucbasaran, D., Alsos, G. A., Westhead, P. Wright, M. (2008). Habitual Entrepreneurs, Foundations and Trends(R) in Entrepreneurship. *now publishers*, 4(4), 309-450. DOI: 10.1561/03000000014.
- Vaillant Y., Lafuente E. (2019). Entrepreneurial experience and the innovativeness of serial entrepreneurs. *Manag. Decis*, 57(11). 2869-2889. DOI: 10.1108/MD-06-2017-0592.
- Wei, J., Chen, Y., Zhang, J., Gong, Y. (2019). Research on factors affecting the entrepreneurial learning from failure: an interpretive structure model. *Frontiers in psychology*, 10, 1-10. DOI: 10.3389/fpsyg.2019.01304.
- Zali, M., (2006). Building the learning organization: mastering the 5 elements for corporate learning. *university of Tehran Press*. [In Persian].